

طهران ۷ داخله ۸ خارجه ۹ تومان

وجه اشتراك

ارای مصاحبین کارگران و اعضاء اتحادیهها ۵ تومان

قیمت اعلانات و مقالات خصوصی

با دفتر اداره است

شماره ۱۷۱۱۱۱۱۱

فکر و سیر

صاحب امتیاز و فواید اساسی - میرزا غفر

شماره ۱۷۱۱۱۱۱۱

اداره طهران : خیابان اسلامبول

دو شنبه چهارشنبه جمعه

تک نمبر ۸ شاهی

پس از یک هفته یک قران است

کاپیمنه هفت جوش

دکتر و قاضی مجلس شورای تماشای نقشه قدرات ملت با هم تماشایی در مجلس حاضر بشود که از مواضع قیامه الهی (ص) فریاد صراحتی در بیان آیه و بی اختیار سرفه میکند

اینها میل دارند هر چه میخواهند بگویند آتش افروزی کنند من مجلس را رود زور خانه و محل جست و خیز و غرض و رزی قرار داده بشود چنانکه جبار کشی باشند و سنک قوام السلطنه را بسپارند بزناند با کاپیمنه صالح مخصوصه مردم در مقابل حرکات ایشان ساکت و در دیار باشند حتی سرفه نکنند خیلی منتهک است

پرشب هم سادی سرفه از والای حاضر مجلس و تماشای در مرقع پرت کوفی سهام السلطان بی اختیار از سینهها بلند میشد خفاشان تنگ شده گفتند چرا سرفه میکنید اینجا مجلس نیست اینجا بازی است خانه است و به حصار تهر داشتند

ببین است سینه های مردم برای هدف شدن از طرف مردم و رزی شما حاضر نمیشود در مجلس حاضر نمیشود قوام السلطنه و مزدوران او را مشاهده کنند و شوق نگویند مردم نمیتوانند به بلند شما و نصرت الدوله ها و آن یکی دیگر دود در مقابل کاپیمنه حاضر کار شکی و اشکال نرانی کرده هر چه میخواهد بگوید هر کار میل دارد بد بگوید اگر چه دست بدهی های پر شیب بسیار هم بود

اهل قیاس - و عناصر دیگر باین دارند از این کاپیمنه نمیشود چیزی بدشد و پس بند بندگی اش بگردن انداختن کاپیمنه کانون را کاپیمنه نیم بنداسم گذاری کرده بودند آری چشم اصول فکر موج همت آورده سوز نیم بند چیزی دیگر نمی تواند انسان الکن جز کلام نیم بند نمیتواند قوه کند از سابقه و تحریف عقیده فاسد قام سنک غیر از بند و نیم بند انظار می آید این اشخاص در روی زمین بالاخری نمیتوانند قلم فرسائی کنند ما هم تا آرزو میکنیم آقایان همان کاپیمنه بر خلاف میل و بشر غم افس شما امروز کاپیمنه هفت جوش کرده پروگرام خود را از تصویب مجلس گذرانید و هفت جوش شد نمایان قوام السلطنه دست بند ای نصرت الدوله و انتشار ورق پارهای نیم بندی بقدر آنکه یک بند کاغذ هم عاید نمائید فایده نکرد عربدهای مدرس با آن هیکل و ابلا و فریاد های بوج شود خواننده بلند پروازی های او در پشت تریبون هیچ طرفدار پیدا نکرد چه حق و پرت اوکی های فانی بند بقویب کترات شده قوام السلطنه و فرمان فرما لکنای در کار نینداخت

سحر با معجزهها و نژاد دل خوشدار با چشم بندی - شعله بازی دسپه و قلب آسمان حقیقت را نمیتواند با خیانت و اشتباهکاری از دیده حق بین ملت مآبور نماید سینه های بی آرایش مردم که برای

صفحه ۲۵

دکتر (با مقام) معلوم شد نو خلی حقه بازی

بازی بازی باریش ما هم بازی

شوخی با کسی کن که اهل شوخی دانی با هر کسی

مکن هر کسی دارد عنوانی ظالم عنوانی

در کشوری که دزدبست افتخاری تو هم اگر دزدی

گفته نداری گفته نداری گیرم تو محصل شوی کوی

دار انهنوس که تو پرسود از آن آت بیانی بیرون

بیانی بیرون

دکتر با خود - و اما این چه حال هوشند است خوب است من

او را به برم ز پست حکم - بچه بیایم بر رویم والا میکورم

چشم کند

و بان حال - دستم به دانات دکتر من فقط این چه دارم

اگر از من دور شود حق خواهم کرد

دکتر - این بچه حیف است زیر دست تو بنام او را تو هم باشد

من تو چشم بکنم ایچ وارم که این استناد اول آمده که دزدی

درو آموخته من د (دزدی با هم از د) است قران علی که چه که ا را

گری زدی که کنان کنان برود برده می ا (تد)

سؤال از کتو عیلمسپیو

از قراریکه یکی از سخنران سری ما با اطلاع میدهند وزیر مالیه سابق که شماره با صرار بالا دست خودش در درشکه جا بردار و معاون وزارت مالیه حایه از کسانی هستند که برای بد کار کردن دولت ا به ارباب چشمه اولی بازده هزار تومان و دومی پنج شش هزار تومان از ارباب چشمه رشوه گرفته اند و راپورت این مسئله را برایش بانک حایه داده اند و ایشان هم بشما اطلاع داده است

ما از شما سؤال میکنیم که در این دوخصوص شما چه اقداماتی کرده اید تا بریم بحساب آن اشخاص عیدیه که قریب سیصد هزار تومان از ارباب چشمه رشوه گرفته اند و چهارصد هزار تومان دولت را با بد کار کرده اند



دومین بیان موزون بر علیه فرار داد ایران و انگلیس

نام دژخیم وطن دل بشنود خون می کند

پس باین خونخوارا کر شد رو برو چون میکنند

آنکه گفتی بحر قرآن را همی باید نمود

شوقرب این گفته با سر آبره مفرور می کند وای از این مهمان که اندر خانه تماده هنوز

بای صاحب خانه را از خانه بیرون می کند

دانشان موش و کره است عهد ما و انگلیس

موش را کر کر به برگرد زها چونی کند

شیر هم باشم کر مارو به دهر است او

شیر را رو با هم مرف است منور می کند

هیچ میدانی حریف ما چه دارد در نظر

این همه خرج گزافی را که اکنون می کنید

انگلیس ابدون دلش هر من و تو سوخته

آنکه هر يك و جب تنگ این همه خون می کند

اقدوی دایم اسروزار که بر ما داده پنج

غاز فردا دهوی پنجاه میلو می کند

آنکه در آفریک بر يك بیابان چشم داشت

چشم پوشی از دبا و کچ قاروت می کند

دزدره زن دزد ناد ان است راحت پشت میز

دزد دانا دزدی از مجرای قانون می کنند

گوش آوخ ندهذاین ملت بدین ها کرده

گوش از این گوش ازان گوش بیرون میکنند

ورنه میلهام در احساسات این بی حس نژاد

گفته های من نه چیزی کم نه افزون می کنند

ای خدا جای تشکر چشم زخم می زنی

چشم من هم چشمی از بارود میجو می کند

عشق از عشق وطن آن سالی مجرب گشته کین

کینه دیوانه جانون نمایم معجون میکنند

بگشت مردم ساده لوح و عده رفاهی جاهل پندان و بازار را بفارنداری خود در مقابل آزادیخواهان در حیطه مجلس دعوت کرده و فروت مهمی در قبال آزادی و آزادیخواهان تشکیل داده بودند اما از آنجا که آن اشخاص برادر های تهرانی ما و در قدرت با ما شریک و سهیم هستند ما و چون نراز حاضر صای طب از در سلامت با آنها وارد گفتگو و مذاکره شدیم و در نتیجه بطوری از سباهکاری و خیانت های مفرضین مساجد خبر کرده با یک صحبت فوق العاده تمایل خود را به تصویب پرگرام دولت اشعار داشته و با اعمال حرارت با آزادی خواهان همفکری شدند بدین است دسپه کاری در مقابل حق و حقیقت درامی ندارد و هیچ کسی حاضر برای حق گشای است در خانه برخلاف میل طرفداران قوام السلطنه کاپیمنه بندر امپوران هفت جوش و با که بالاخر هم تصور نمودیم با این زودی امپورده غلبه کرد و در پیشانی او نوشته شده است خداو راستی - و اراج پیشانی شما پول دروغ است

اظهارنامه

با اتمام سال چهارم و بعضی نظریات دیگر و تصمیم قطعی راجع به بعضی سیاسی سال پنجم موقتا در حال تعطیل است و غنی توانستم در خصوص توهین به آیدر محترم حضرت آقای تدین نماینده حقیقی طهران بطرف باشیم

لهذا بوسیله این چند سطر از پیش آمد اخیر اظهار تأسف نموده نسبت بدینگونه قضایا با نظر خوشی انخواهیم نگریم (مدیر علاج)

نامه صلای اسلامی

از روز ۳ شنبه ۲۴ رجب ۱۳۴۱ هفته دوشماره در چهار ستمه بزرگ منتشر خواهد شد

اعلان

عزم علاقه مدان به ممالک و انتخابات در بشارت کفدالی اسلام آقای امجد الواعظین از جمله آینه سه ساعت مبروب آمده در بصحن حضرت عبدالعظیم صومعه انتخابات اظهاری آتین خواهد نمود بشما بید برای بهداری و دانش و نظریه امجد الواعظین

دفاع

رد لایحه دفاعیه از حاج میرزا عبدالوهاب وکیل همدان

مقدمه در جریده آسیای وسطی و در جریده پرنو

نگارنده لایحه دفاعیه جناب اظهار میدارد که در موقع بشارت تجارین کلان اهالی همدان تقاضای اجازه دفاع از حاج میرزا عبدالوهاب نموده و چون این اقدام مخالف مقتضیات بود آقای حاج میرزا عبدالوهاب چنین صلاح دانستند که مراتب بمقام اطلاق داده شد و اقدامات مقتضیه بعمل آمدند.

اما الجواب اولاً دفاع کنندگان خود میدانند که آقای حاج میرزا عبدالوهاب در همدان دارای آن مقام و امین نیستند که این مسئله و فریضه حتمیه هر مسلم را لازم باشد از ایشان استعفاء نماید و خوردشان در اجنبات بطریق که متن کاغذ و مرادیه قتل و لکری حاکم است جزء سایر تکرار بیستی بوده باشد نه جز فریضه دهندگان و ثانیاً میکوشند پس از آنکه جواب اقدامات مقتضیه عمل آمده از آن اقدامات مقتضیه چه بود است که اهالی همدان بدانند شاید غیر ما بود و چون کسی دیگر اطلاع نداشته باشد لایحه مذکوره میاورد این اقدام غیر خردانه مخالف مصلحت مبل انگلیس ها بود چگونه ممکن است دفاع از تجارین که خود انگلیسی ها در حومه کابلان با خود آنها در حال محاربه و دفاع بودند و همه داشتند که با داسیل بشورن بست بین الله بن جاری شود مخالف میزبان باشد آقای این چه منطق بی اساس است که اتخاذ نموده و تمام دفاع خود را روی آن زمینه قرار داده اند و نیز میکوشد که انگلیسی ها تهدید آنها در نظر گرفته و نطق و بیان خطاب شده را در مراسم خود تسویر آنها میاورد تصور میکنم اسکن مقصود تهدید آنها بود نوشتن این عبارات لازم نیست بلکه آنها را واسطه تهدید و منع افکار غلط بین این الیه بن معرفی مینماید و ضمناً آن عبارت کذابی را (که بین الیه بن تا مدت های متناهی محتاج بوجود نمیشود) بگوش برایشان فرو میبردند.

اما اینک حدیسی آشنای عشق را بخودی دانستن انگلیسی ها آقای حاج میرزا عبدالوهاب دلیل بر آن است که آنها میدانند طبعی محل تعجب است زیرا آقای روحانی دیگر در همدان با خود و عالم و بقیه تر زیاد است اگر ایشان را بیگانه میدانستند بسیارین میباشند که آقای بد بزرگوار را با تصور میبردند که این جمله اخیر مراد کرده (در سخنان تقاضا دادها که تاکنون در کتب اخبار همدان دیده اند) میباشند سواد از آنچه دستار سالها در کتب دستم هم این است که انگلیسی ها در وسیله مودت و دوستانه (خود را بچندین مسأله) بر خود داشته اند و طبعی است که آنها پیدا نموده روابط ایشان را با این مقام اجنبی بخوبی میفهمند و لی پیشه است لایحه القاب الیه و مانند سایر آدجه صمیمیت ایشان را که از بن مراسم مرسوم است شرح داده بیان نمایند و بی خودی خوانند که آن محترم محول میدارم انشاء الله.....

اما در موضوع انتخابات عقیده ما این است که انتخابات دوره چهارم گذشته از اینکه جریان انتخابات ادوار گذشته را نموده یک فک از ریختن هم از حبه ملت ایران تهیه نموده است بی ممکن است آقای حاج میرزا عبدالوهاب زحمت ایشان را برای وکالت ایشان خدمت کرده اند نیز این نموده باشند از قبیل هل اکبر خن بر صاحب قلی خان و شیخ المک سارق که سرعت او بر دولت و ملت پوشیده نیست با همان زاد و اقارند هائی که در بولک و یا در شهر با ایشان مساعدت نموده اند والا ملت همدان کبلاً و تکرراً در اظهاراتی بایشان نموده اند بدل توجهی نشده است برای اینکه آنها مولکین آقا نموده اند در هر صورت ملت همدان که از وجود... ایشان فایده برده جز اینکه عهد از آزادی خواهان میخان است و این موضوع موجود است که از وکالت ایشان شدیدا اظهار تفرقه نموده اند خلاصه اینکه همدان دارای همت بولک و شهر است برخلاف تدبیر آقایان نظار که ایشان هم جزء آنها بوده اند پنج هزار روزه آفرین را برخلاف تشبیهات خوزه و بولک سد آباد ملکی فرمانفرما با همراهی عنایت المملکت کدیل حکومت و نوکر فرمانفرما رسانده و باین برتری حشرت آواک کدیل شدیدی و کدیل شدیدی که بیست و هفت تنی نوای فلک زده و زحمت کش همدان بلکه میان خود و خدا خوب از عهد وکالت بر نیامند ۱۱۱ و اینکه میکوشند در ا زمان و لوق الدوله انتخابات صورت گرفته است بی نظر بشکایت مؤثره اهالی همدان از همت نظار و قای مذکور آراء توفیق و بعد از مدتی در زمان حکومت سالار لشکر همدان آراء عزرائیل و ایشان باین ترتیب وکیل شدند انصاف میبخشیم اما همین قدم چنان شد

و این قدم باید خود را به خود ملت تحمیل نموده ؟ این است معنی وکالت ؟ آیا از این نماینده محترم غیر از اهالی همدان و شکر روری و یا ملت ما می دوست تومان از جیب ملت فقیر فائده سراغ دارید

کافی کنیم فراموش کرده اند اینکارانی که در زمان مجامع امود میاد در حالیکه مردم از کرسی هزار هانجان خود را زایل میگرداند میگرداند آيا از همدان راه چیران ایدوار گذشته شده است با این تفصیل چگونه می شود فرض کرد که آقای بزرگوار صاحب اهالی همدان بوده و تقاضای اجازه دفاع از ایشان بشود.

آقای ح. ش. - آقا میرزا عبدالوهاب جنبه عقلی و روحانی هم که نداشته اند در همدان که از این راه بتوان فرض نمود که مرجع طبع باشند زیرا اسکند ایشان فضائل با تقدیر روحانی داشته اند که اسباب غیر قابل حمل و نقل نموده که در همدان جا بگذارد لابد همراه خود می آورند و الحمد لله مراتب علمی و فنی و با کدانی ایشان هم بر عموم اهالی مرکز معلوم و مشهور گردید و محتاج به توضیح نیست شاید یکی از محضات آقا این است که در مدرسه شیخ علی خان که ثابت آن بلد بود نه و اوقات باشد ایشان بزور جفا گرفته و ضبط نموده یکشاهی هم پورده فقیر آن نمیدهند - در هر صورت بتسلل را زید بهم مخلوط نموده و جایه هرچیزی بخود داد و قوی شود مطالبی که کابلا واضح و مشهور است بطور خلط مبحث و مغالطه از میان بردگان می کشند نگارنده لایحه دفاعیه از قای حاج میرزا عبدالوهاب بیشتر مویببات اقتضای ایشان از راه نموده باشد ولی ما امیدوار هستیم که اهالی ایران از خواب غفلت بیدار شده دشمنان و فاسدین خود را شناخته و الهارا بحساب دعوت نموده و بالاخره حاکمیت ملی خود را محترم بشمارند که طرح بسؤال و جواب های ما و شما نباشد این قبیل اشخاص را که شیب روز با اجنبی مربوط هستند نگذارند بمغالطه خود گرا وکیل ملت معرفی کنند این اشخاص اجنبی بر ست هستند وکیل اجنبی آقای حاج ش. تقاضا میشود هر که ایرانی هستید از آقای حاج میرزا عبدالوهاب دفاع کنید و هر که با ایشان هم عقیده هستید در ثبت خود ثابت کنید حاج درویش همدانی عبدالله همدانی عباس همدانی حسین همدانی محمد تقی همدانی محمد حسن همدانی مهدی همدانی عبدالله همدانی تقی همدانی حسین همدانی حسین همدانی

مدافع آقای حاج میرزا عبدالوهاب عرض کردن زان فایک خروار گوشت بدن پریده است که از فلان شهر تو من فلان معنی را در ک کرده ام که خلاف دیانت است در صورتیکه هیچ مربوط بقضیه نیست و این برخاست ایشان در این مورد خیلی میاورد است

دزدی در قزوین باغی داخل شده مشغول انکود دزدی شد باغبان رسید و فریاد زد انکود هارا کجا میری دزد در جواب بگال تیر گفت تو بچرا برای زنت کفتی قرمز نظردی باغبان باگال حیرت اظهار داشت که انکود دزدی چه ربلی دارد بفتش قرمز دزد در جواب گفت آخر حرف میاورد

آقای (حش همدانی) گمن بشارت شائلی جناب ایشان تاکنون قابل شده ام و از این دوسر فیکه برای خود آن ایضا زمین فرود آمده اند جز (حش) چیز دیگر معلوم نمیشود نیز مانند آن دزد قزونی عقیده شان اینست که حرف را بر می آورد و در مقابل این اعتراض کوشه باقای حاج میرزا عبدالوهاب که چرا تسوول انگلیس چنین مراسم صمیمی را نوشته است اظهار میدارند از فلان شهر تفرقه از بنی شدن دیانت را استنباط مینمایند

در همان وقتیکه آقای حاج میرزا عبدالوهاب با آن هیکل سلام رسولان کفایت های عشق از قیاس انگلیس در یافت می داشتند این صفحه سند را همین فوکولی که بگوشم بسته ام بر علیه انگلیس نطق میگردم و برای مطلوبیت مسلمانها اشک برچشم و بر شد انگلیس ها اشکبار درین شماره ملاحظه فرمایید بیسروم و هزار بغاوت های دیگر بر علیه انگلیس که باید در سراسر ایران معرف شده باشد

مشهوری عزیز من میخوانم همدان ان کاواره با با با با مدافع بعلی تا بدمش در طهران اسباب خنده باشد

نویسنده: ق. بیستم

صمیمان اولی

نوسط حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا صاحب مقدس شوارای ملی شیدان ارکله

سواد - انعامه مرگزی کار کران طهران

مورخه ۲۸ برج جمادی ۳۰۱

ناخون از یات با شروت و ظالمان با فرت از جهانی و نادانی ما استفاده کرده حقوق حقیه ما را هتور و حیات ما را تخریب را برای تمیض و تمنع خود زهر آلود نموده اند آنچه ذات بود کشفیم نا آخرین درجه شرب فلج زندگانی را چشمه چشم هریک در گوشه داد و فریاد آ و ناله و زاری کردیم بگوشی هیچکس نرفت و در قلب هیچکس نفوذ نکرد رحم انصافی نمود این است که امروز ما فردا نماندیم برای مبارزه حیات حاضر شدیم و هیچگونه ظلم و نسی را قبول نخواهیم کرد اینک بنام مدافعه از حقوق می نویسیم که اقلا یک ماه و نیم قبل اداره فواید عامه اترالی بدون رعایت هیچ یک از قانون اسپاراً از حریک ما (۲۵) قران دریافت نموده جوازی در خصوص صید آزادانه را دوه که موعده آن پنج ماه است که ملاحظ داشته باشیم تا آخر برج نور ۱۳۰۲ فر رود خانه و نیاز ازلی صید نعام ولی پس از بگناه نوسط اعلام ما را از حدود دورک ما دهنه بروت از صید ماهی قندق نموده ما را در طلبه پول با آزادی کامل در صید نهادیم رئیس فواید عامه که بجای رئیس ما یعنی آمده است اظهار میکنند رئیس سابق مجزول شده و این موضوع ربطی بن ندارد در صورتیکه ما پول را با ذره فواید عامه دادیم قبض با مهر اداره داریم ایدا بخرف ما اعلام میکنند.

اخبار و حواشی

روز گذشته دوساعت بعد از ظهر سفر کبر اسلامی همدانی در منزل حضرت حجه لایله آقای حاج آقا جمال الدین مجتهد تدریس برده و مدتی مشغول مذاکره و صحبت دینی بوده اند

حرکت مستر (هل) پیشکار مالک ایالت خراسان با دو نفر مترجم دو روز قبل بسبب طموریت خودشان حرکت نمودند

زولت سرتیپ محمد حسین خان رئیس پیشمالی از روز ورود برشت با یک جدیت فوق العاده مشغول تنظیم و اصلاحات قشوقی هستند بطوری که هر این قابل مدد بکار حال روحیه قشون تغییر و بطوری با سرخوش رفتاری میمانند که اسباب امیدواری علاقه مندان است هر روز که بارشکی نباشد قول از انجاب انفراد بشعور مشق هستند قرار گرفتن حکومت اترالی امروز یک کشی جنگی قوت و وسافر هم ندارد نزدیک دهنه سرتیپ آمده لاکر انداخته یکی هوش فرساده اند قدش نباید

مختصن کلان محمد علی خان هنوز روزگراف خانه مختصن و مختصن جواب است

رده دوم رده بالا میرود

(من عده ذکر نکو کار است به کما شبا با لباس شاکره طبعی نشسته مشغول باک کردن شیت ها است موزیک مترن است و این اشعار را میخواند

بچه گدا را با مقام (شبهای ما منتاب در موسم شبنام

دل فریق زخم عشق کی زنده فکر خواب

ای خدا عشق دیوانه ام گرد عاشقم عاشقم

بچه گدا - خدا با من بد که چه بگویم من پیش تو که نم خوردم

بچه فراموشی منم بطوررا عشق را بگویم اگر بگویم بد عشق را چه کنم از همه بد ترا بن شبیه هم که اسباب زحمت شده میگو بد که عاشق شبته خانم وارد مینمونه

شبته خانم - دیکر من طاعت نمازم بقی بدن که همین روزها خود را خواهم کشت

بچه گدا - خانم من بشما شکتم که می توانم خواست شما را بجا آورم -

شبته خانم - آه کبیه را با مقام میخواند

بچه سرزنده عشق آفتاب سبته زل که خاکتری

مانده ز آینه دل وای آتش گرفتار - وای آتش گرفته

دین لنگرین

در آتش فجاج انگلیسها میبوزد

بخواهید ، بخواهید ، بخواهید ای مردم غافل
بخواهید ای مردم بی جهت ، بخواهید
ای ملت بی غیرت بخواهید ، ای مردم بی
همه چیز

بپارید ای قوم منافق ، ای ملت
فاجر مشاغلر احساسات انبیا ، بپارید
ای طایفه بی حس که هیچ حادثه معجزه
شما بخوابد بوز ، بخواهید ، بخواهید که
خواب آید باشد

انگلیسها فجاج خون آلود در بین
التهربان ، این کینه توفی شما ، سلیمان
دوران اسلامت مرتکب میشوند ، انگلیسها
برادران منی ، منی ، نژادی شما را در
زیر پهای آتش نشان مرگ باز طیارات خود
دزیر خاک پنهان می نمایند و شما بخواهید
، پس بخواهید بخواهید که خواب آید باشد

انگلیسها ، جزائر منجوس بریطانی
، این شهوت را مان ایستار و جهالتگری
این براندازان نسل بشری ، این حیوانات
در راه و حتی و دشمن بشریت ، اهالی
معلوم این الیهین را برای بشریت مقصد
سپاسی خود ، چون کباب به سرفزه های
خود کشیدند چون کوفته سر بریدند ،
چون اجناس موئی در زیر خاک پنهان
نمودند ، قره و فضیلتش را آتش آلود
، زانرا را اسیر کردند ، اطفال را طعمه

آتش نمودند ، حاکم حاکم
بهد شما ای قوم بی حیا ، بی حیا
و بخواهید ، پس بخواهید ، بخواهید که
خواب آید باشد

ای مردم آخر غفلت و بیخبری تانی
غفلت و غفلت تا کی؟ دولت ای حبهی تا
کی آخر این ها که اکنون طعمه دشمنان و سرفزه
مستحق پست و خواروار ، مغلوب دشمن و
اعداء هستند برادران شما بپارید که دشمنان
و هم نژادان شما بپارید ای روح محمد این

ناتوا برای تربیت این نژاد بنگرین
نظامی آفرین مراجه نمودیم ایشان توسط
لازم خود برای تربیت کارها انداز ، پنج
تومان مشایخه مطالبه نمود از آنجا که
احتمالاً اشیا بازرسی شده و در آنجا هر کس
بدر قوه خود این پول را جمع کرده بوسیله
بگفتار شاهد توسط مستشار دیوان مدیر
کابینه حکومت داده ایم بد
معلوم شد که ۶۰ تومان را حکومت در اختیار
را مستشار و پنج تومان را حرا داد لازم حکومت
تصانعت نمودند بواسطه اطلاع بشی از
اهالی مطلب قاش شده حکومت کارها انجام
نداده و انتشار داده است که سپادان رای
من رشوه آورده اند ولی من رشوه خور
نیستم و برای عبرت سایرین این پول را
هم پس نداده و بدارالایام خواهم داده
حالای صاحبان و جندان و بی طرفداران
زحمت کش قضاوت کنید و بداد های
بی چارگان برسدید -

آر چه رشوه دارن را هم در شمار رشوه
گرفتن است ولی بیچاره جماعت زحمت
کش سپاد و قاضی ناچار من مانند چه بگند
و نیز از قراریک بعضی از موقین اظهار
میدارند حکومت آفرین بعلی رشوه قیامت
و دیگر است که با حرا حکومت تمام حکومت
خواستار اند اخلاقی کرده باشد بعد حکومت
نمیپد و زود کرده است
در حال ما جدا از حکومت
اثری نقاشا داریم که بوجبات رفع زحمت
از جماعت سپادان را فراهم و هر چه
زود تر ما را از قلیجه عمل خود مطلع
نمایند

فروردین
صفحه ۱۷
گرفته گرفته آتش عشق تو از با نامم رومی
انان آتش گرفته یار بر خاکم رومی
به نك دل داده کی بنام کردی مرا - خدا عاقبت کند تمام کردی مرا
بچه گدا - با بچام - مکن خاتم اقدر زاری بر آیم
که من خود بجای دگر دبلایم
وای آتش گرفتهم آی آتش گرفتهم
[از اول شعر بچه گدا و شفته جانم اهم میخواند]
گرفته آتش عشق تو از با نامم رومی
وای آتش گرفتهم یار بر جا کترم رومی
به نك دل داده کی بنام کردی مرا
خدا عاقبت کند تمام کردی مرا
شفته خانم - (با مقام) جایت با جوانی من
کر بکری - لاهی که خیر از جوانی نهایی
وای آتش گرفتهم وای آتش گرفتهم
عجدا اول گرفته نام میخواند -
بچه گدا - خانم از من ساخته نیست با هم میگویم من خودم

عقدی از شما بپار ای ارواح مقدسه
بپار از شما آزرده ، آخرا شما دارای حس
عراطفه ، تو میباشی و میباشی و می
حر قیده شاهزاده میگرد و ایستاده بخواهید
بخواهید که خواب آید باشد
ای ملت فاجر شهور ، ای مردان بیست
نراز زن شما هم حر کنی شما هم فریادی
شما هم اظهار حسد روی و نیز از این اعتدال
شبهه انگلیسها نیست مسلمین این الیهین
کفایت بیخبران از آن ببرد آمده است
شما قید افلا بنمایید که شما هم مسلمان و
غم خور برادران دینی خود هستند و از اعمال
فحشه این دشمنان بشریت بپار و بیشتر
هستید

این بین الیهین که اکنون در زیر
پهای آتش بارطبارت دولت ظالم انگلیس
میبوزد و میبازد میبوزد و میبازد بپارید
جوانهای فاکم خود را بپارید راه استقلال
خود میباید روزی برای شما میبوش آمده
بود بر ضد غیولت و حشایه دولت نژادی
روس اقدامات مجزانه میکرد با ناهای جان
سوز ، انچه های برادران شما خون را
در عروق آنها بچرش در آورده بود و
برای استقلال استقلال از جنگل و راهی
ظالم در خط فدکاری قدم میزد اکنون
به وقت نلافی است اکنون به وقت جبران
است! پس چرا بخواهید پس چرا بیحس و
حریکید بخواهید که خونپایندی با نین

ای ملت عالم ای سائین
بپارید بپارید بپارید بپارید بپارید
این ملت وحشی
برای رهائی از قبود اسارت این قوم
دشمن بشریت بپارید بپارید بپارید بپارید
ملت را در آتش بسوزانید اطفال آنها را
بدون مرحم طعمه آتش سازید که از شر
آنها در آنها برچید زان آنها را طعمه
حیوانات درنده جنس خودشان بنمایید که
دیگر از اینگونه مردم مایلد نشود

این حیوانات درنده از بین الیهین
چه میخواهند با مسلمین چه کار دارند یا
شرقیه با حرا و مشعلی و عدالت بخرج میدهند
مگر تمام مردم برای استخدام آنها آفریده
شده مگر کائنات برای زاجنی و خوش
گذرانی آنها خلق شده است که خلافتی
چون کاور خزان بکنند و از راههای انگلیس
استانده و بهره ببرند

چه شد شرایط استقلال و حق حاکمیت
مثل کجا رفت اسرار آزادی و حریت
بقر چه و بلدون که خود را حامی ملل
ضعیفه معرفی کرد و برای ملل و آسایش
عمومی دلها و دود چاره کانه خود را ایجاد
کرد پیدا نمیشود برسد این فجاج هم جز
شرائط و مقررات صالح بود
ای ملت برای این بشر و بشریت
ای نفرین بر این انسانها و انسانیت ای
تف بر این فجاج سلطین دولت ظالمه
انگلیس

کایت دار زاده

نقطه قرین

حضرت آقای مشقی ۱

موضوع قبکو و جالب توجهی که در شماره اخیر قرن بیستم به شما آید و خانها
گذاردید فوق العاده منهد بود و همان بی گناهی پس از قوی رهنما دوم کسی هستید
که در انتخاب موضوعهای خوب و بدیع خیلی ماهرید

آری موضوع مسابقه این است : (فرانسه ها میگویند زن در حکم سایه
مرد است هر چه از او فرار کنید شما را تعاقب می کند و هر چه از او تعاقب
کنید از شما فرار خواهد کرد)

آقای مدیر محترم ، برخلاف گفته فرانسوی ها که زن را سایه مرد میدانند و
برخلاف اغلب از رجال و جوانان ایران که زنا را برده و کهنه و بی می دارند
عقیده دارم : که زن بهترین عامل زندگانی بشری در کلبه زحمات و مشقت و
فواج کالایید شریک و سهم مرد باشد

بله ، عقیده بنان من زن اساس و پایه ترقی يك مملکت بشماره پرودا
چرا ؟ زیرا آن کسی که با زحمات فوق الطافه طفل را بر سره بوجود آورده
و اولین غرای او را از خون دل با از پستان خود میدهد مادر است

زیرا آن کسی که در شب های طولانی و طولانی بیداری و بخواهی تشنه و
باندک حرکت طفل سرسپرده به بالایش رفته و بخواهی بنماید مادر است
زیرا آن کسی که برای اولین مرتبه خاطر طفل را بحکایت و تمسک شریک
مشغول می سازد و عراطف و احساسات بیکر در پیغمبر طفل تولید میکند مادر است
و بالاخره آن کسی که باندک کزیه و الم طفل قایم معزوم و معلوم شده
و بر طریق میشود رفع ناخوشی طفل را بنماید او مادر است

چهار خوب با ادا فوق که برای اقیامت عاو مرتبه زن در هیئت اقماعیه
کافی است آ با مضحک نیست به زنا ساسیه مرد و طبیعتش را لوج معرفی نمایند
بالاخره برخلاف گفته فرانسوی ها عقیده دارم ، زن شریک زندگانی یعنی
شریک سده و راحتی مرد بوده هر چه از او فرار کنید شما را تعاقب می کند و هر چه
او را تعاقب کنید از شما دور نمیشود

حال بنمیدانم از این که عقیده مرا برخلاف گفته فرانسوی ها میپندند
چه گمان می کنند ؟ آ با مخالفت من با گفته آنها از شما قارئین محترم بنامان
تعجب نیست

غرض از آن مقال فرانسوی معرفی کردن قدر و قیمت زن در زمان
تاریخ است بلکه از آن مقال غرض معرفی کردن جنبه اخلاقی زن است در مقام
معاشرت با مرد ، در این مسابقه باید از این نقطه نظر قلم فرسائی شود

(۲) آقای مدیر محترم ، در مسابقه قرن بیستم شماره ۱۱ رقم فرموده بودید
غرابها میگویند زن در حکم سایه مرد است هر چه از او فرار کنید شما را تعقیب
میکند هر چه او را تعاقب کنید از شما فرار خواهد کرد من با مطالب اول مخالف
هستم برای آنکه زن دارای حجب و حجابی مخصوص است که مختص بوجود اوست
هفت و عصمت او مانع است از اینکه زن مرد را تعقیب نماید چنانچه قانون طبیعی
شهادت میدهد ، مگر اتفاق می افتد که زنی بمری اظهار نماید که او را بهم سری خود
قبول نماید بر عکس مردانند که در تعجب شریک برای زندگانی خود میباید بنمایند
از آن زمانیکه مردان را تعاقب بنمایند وجود داشته باشد ولی نمیتوان آنها را
با شرف بکفت این صفت مخصوص عده است کلام آنها با نك و سرشگسنگی جاهله
ازان با شرف است در این صورت زنانی که دارای محسنت - اخلاقی هستند هیچوقت
خودشان را منزل نمیدهند کمره آنها را تعقیب نماید

و اما آنکه میگویند هر چه شما زان را تعقیب کنید از شما فرار خواهند کرد
زن دارای صفات جنسی است از آنجمله رفیق القلب و زود باور است
بقلب پر از محبت و خالی از هر گونه زب و ربا نقاشی مردی را می پذیرد و
قریب حرفهای آنی و ظاهری او را خورده تصور می نماید شوهر آبدی و همسر براتمی
او خواهد شد این است که محبت خود غلبه خود آنچه خود همه چیز خود را تسلیم
مرد نماید اما چندی نمیگذرد که مرد از او سیر شده شروع بنماید در خارج مقامات شروع
و حرکات غیر قابل تحمل آن قسمت قلبی هم که با همسر خود بسر میبرد بصحبت
هائی میگذرد که موجب دلزدگی زن میگردد و چون زن مصوم نماید ها وارد خانه
مردی شد و قدرات آنچه خود را منوط بصحبت و ادانت و آنچه را که از محبت و
وفا از شوهر خود توقع دارد ازین آنوقت است که آن حرارت و محبت مبدل پیرویت
شده از همسر عزیز چشم می پوشد و میبورد بفریق میشود مسلم است پس از آنکه
قلب رفیق زنجیریه دار کشت دیگر هر قدر اظهار انقیاد و بندگی باو نمایند
تمر و بلا نیجه است

خوش بخت مرد وزنی که نوافقی اخلاقی داشته باشند با همان صمیمیت که
بهم رسیده اند تا آخر هم بوده تشکیل عاقله سعادت مندی بپندند و اور سان خود را
برای خدمت بوطن آماده سازند
در جامعه زن چونیکه عقیده است و ما بین او مظهر عشق بک باشد بقیه
و قیاسه بر نهج دل خوش بساور ای بی زار شود ز مردم بند آبن
مریم وقت زاده ، مخلص بنامید

یک جنبش جوانی

(انتش در سر بن النهرین) از قرار اطلاع خصوصی که موقع بیان صحافت رسیده :
 مبارزین پیشرو مششار اهلالت دیوانه در دغاره که از توابع دیوانه است استغاثی مسلمانها از فشار و مظالم انگلیس اورا عصبانی کرده با ضرب هفت تیر بگنفر از رؤیای اعراب راه افتادند و در این شتارت اعراب به جان آمده اشرار را کشته اند بلافاصله زمامداران انگلیس تقریباً سصد طیاره در آن محل اعزام داشته و عدت کجیری زیر بار آتش فشانی طیار ها آبل عام کردند در دغاره این واقعه احرار بغداد در ایستگاه خط آهن باب الشیخ با انگلیسها بی ملاحظه زد و خورد کرده و خوش بختانه رئیس ماشین کتی کشته شده است در اثر این پیش آمدهای ناگوار انقلاب خونینی در سرناهر بین مسلمانها و ملک اسیران موصوم در زیر بار آن آتش کارکنان موات بریطانی کبیر افتاده اند از این زود بزحور بهار سپیده بود من همین مطالب را سر مقاله میگردم و میدانستم چه باور سپیدم مقادیر هشت از شب این خیر رسید باری سیاست مداران انگلیس از این واقعه مایوس میشوند که پشت و پا به تمام عواطف آدمی و آسودت زده اند این فرزندان کرامول که خود را معلمین تمدن جهانی میدانند تمدن و انسان و انسانیت را به تمام کردند احرار ای کاشیکه خود را معلم انصاف و ممدن قرن بیستم میدانند شاموونی که نصیب دیوانه را بهار دمان می کنند فکر نمیکنند که در این ناحیه بچه های دوساله یافت میشود که هیچ گناهی ندارند جز اینکه خلق شده اند چه این جور است دوساله را محو میکنند ای طرفداران مظلومیت ای نژاد آنگلوسا لسون به مشرق زمین ها اگر رحم نمیکنید بگره می بزنید نژاد آنگلوسا لسون را به مشرق شرقی زمین در آنگلوسا لسونی پیدا خواهد کرد که انقام خود را از نسل آینده شما بگیرد دهر آنچه میدانی بکن ای دشمن قوی من ابرار قوی شوم از ایل بار کتم دشمن انگلیس و انگلیسی (عشقی)

شکایات و لایات

باز هم مکتوب از زرنند
 شکایات پی در پی و مکتوب ب فصل از طرف اهالی زرنند بانی برشکی از مظالم و نسیبایات حکومت نظامی و اطرافیش با ازاره واصل و ما بویچرجه کار نداییم باینکه نوبت شده کان این شکایت نامه ها جاهل و غیر ذی حق و با ر اثر نیان مؤظفرین حکومت آنجا این اوضاع را ایبا کرده و یا اذلم ارات آنها و انبیت دارد و در حقیقت مجاز آسمه اند در هر صورت ما با وجود سلطنت مشروطه یکای با حکومتهای نظامی منافع

باز هم مکتوب
 از لاهور - یک مکتوب خطاب اوس از یکی از کسانیکه کان توام السلطنه شک آنها را سیر کرده است با اداره رسیده اولاً مضامین را فقط (م) کتارده است تا باین تمام مکتوب را برانسته اند و بفراموشی فرستاده - قرن بیستم

باز هم مکتوب
 از کابل - که با شش ماه از قوام السلطنه تاخت نیارود در ضمن آنکه قوام السلطنه را بخوابیده است از اشخاص بزرگ مرفعی نماید بفراموشی نامرو طهارت و بزخرفات معطوفی و اوس نوشته است که بدست هر فرانسوی و بافرانسوی مانی بدهند مسخره است این قبیل کاسه لیسها خوبت بیاس گاه اوس اقلای ارضای سریع خود را با بپارند اقلای از اعضاء مضایقه کنند ولی خیر اینها خودشان نیز از طرف داری قوام السلطنه شک دارند و از ترس اینکه آشنایان ایشان با همان چشمی که بقوام السلطنه نگاه میکنند ایشان بنگرند باین کورته امضاهای رمزی مانجی شده و جرئت اظهار اسم خود را ندارند

باز هم مکتوب
 از لوس در طهران نوشته و بهلا هجران فرستاده باشند که در آنجا تعمیر پست خورده و عودت کرده باشند بای مردم بفرمانند که قوام السلطنه در خارج طهران نیز طرف ادرانی دارد آقای (م) اگر راست میگویی که شما حقیقتاً طرفدار قوام السلطنه هستید و او را مرد بزرگی میدانید اسم خود را اشکار کرده و بازبان فارسی از وی دفاع کنید والا این ستر و روپوشی که طرفداران قوام السلطنه و وقوق الدوله دارند خود دلیل از وی است که این دو برادر در جاده منور اند و حتی کاسه لیسان و بزرگ خوران خوران ایشان نیز جرئت نطاه سر بطرفنداری از آنها را ندارند و بلاوه اوکار منوجه اشخاص معدودی شده و جالبه بر کردیم استعمال هرود که امثال این مکتوب را همان اشخاص معدود فر طهران نوشته و برای اهام و اشیاها کاری بخارج فرستند که در آنجا تعمیر پست خود را بطهران بر آورده

بناست اینکه دیشب سه ساعت از شب رفقه کابینه با اکثریت ۶۴ رای تصویب شد قطعه ذیل فی البدیهه قطعه سروده شد
 ای یار لطیفه گوی مرشد
 کابینه نیم شد خواندی
 دیدی که بر غم گشته تو
 از من تو بگو بر شد خود
 گویا تو خیال کرده بودی
 کابینه کند سقر طراز تو
 زن پس تو باین خیال آه
 با آلمه - نطق چرنیدی
 این دولت آبروی مندی
 شد دولت شصت و چار بندی
 کای خان صد هزار قندی
 باین سخنان زبشخندی
 چون بز به پری تو بر بندی
 در خانه بمانی و بگندی

تنگر اوقات رتو

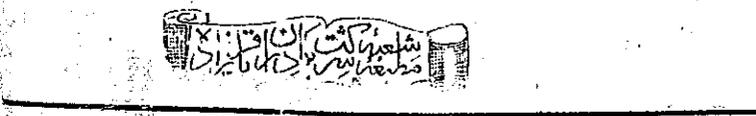
بهر روز پنجشنبه ۸ مارس ۱۹۲۳
 تکرار ب اندازی
 شماره - امروز بواسطه پرتاب شدن
 بوه هجران غربی تولد کردید یکی از شب ها در هر کس قوای علامت و نشان انگلیسی پرتاب گشت و لی منجر شد دیگری در قوه خانه نزدیک بر کز ارکان حرب نظامی انگلیسی اذخاسته شد و از قرار معلوم یک نفر مصری مقتول و یک نفر مصری دیگر و سه نفر سرباز انگلیسی مجروح شدند ترکمکین نیز زانما کر بخنداد

حمایت دردم
 رم - سه نفر کوشش میکنند که قهرا داخل سفارت آلمان شوند که در نتیجه از وی که بوقوع پیوست کابله بدل نایب سفارت اصابت نموده ولی هر سه نفر مصری دستگیر گشته (مومو پولیس) نیز از سفر آلمان معذرف خواسته است ایگار را بدهد

میزان مبادلات
 نرخ مبادلات خارجه روز ۶ مارس در لندن بر حسب میزان لیره از این قرار است
 - پاریس - ۷۷/۱۳
 - ایتالیا - ۱۰۶/۵۰
 - برلن - ۹۸/۱۰
 - ایورک - ۶۹/۹

ایاتنا حضرت عیداعظم میشود دوید
 ورزشکاران باید تشویق شوند
 روزجمعه ۱۴ رجب در بیرون دروازه حضرت عیداعظم عده که در سبازاقایان ذیل بهیمنت آقاخان محصل مدرسه علوم سیاسی محمدخان هندی محصل مدرسه مبارکه دارالفنون
 میرزا محمدتقی آقاخان احدی شماره ۸۶ مدرسه نظام کتوشون
 احمد میرزا مدرسه سن لونی
 و در تحت نظارت آپورمٹ میرزا فخر یالی در ساعت پنج نیم بعد از نصف شب شروع بپودن نمودند در هر ۳۲ دقیقه بدون توقف تا حضرت عیداعظم ۴ دویدند اند ما بهیئت گلوب فوت بال قرب آقاخان فوق الذکر تشویق و تمجید میکنیم و خجایی خوشوقت شدیم که جوانان باوقوف در ایران هستند که مایل به اسبوز و غیره بهیباشند و در خامه از میرزا مهدیخان ورزشنده درخواست میکنیم که آقاخان فوق الذکر را تشویق و تمجید کنند
 دقار گلوب غرب

گنفر انیس عمومی
 روز ۲۱ شهری جاری سه ساعت بنوب در مجمع دموکرات
 آقاخان کتوشون در حال توجی از طرف هم ملک محترم آقای دکتر مهدیخان ملک زاده ایدر فرقه دموکرات داده خواهد شد و ضمناً بیانات مفیدی راجع باستعمال منسوجات وطنی خواهند نمود از عموم علاقه مندان باصلاح مملکت برای استماع دعوت میشود
 مدیر مجمع دموکرات - موافق



شعبه ۲۸
 مهلا مسلم
 شیشه خانم - مهلا کی هستی
 بیه گدا - مهلا کی هستی من چه میدانم و کی دکتر
 شیشه خانم - دکتر ما تم است که تو با من بسازی
 بیه گدا - دکتر خیر آخر تو شوهر ماری
 شیشه خانم - اصرار تو بین قول به من از شوهرم طلاق میگیرم
 بیه گدا - برای خودم بگریزای پیدا کرده ام و هست دون پیشنهادی گذارده و آه کسید با مقام میفرانند
 بیدرمان است این درد - کاشمیر نتوان کرد
 در دیده اشک گرم در سینه آه سرد - ای خدا عشق دیوانه ام کرد عاشقم عاشقم
 شیشه خانم - از وصل نا امید بشکر چه ها کشید
 این روسیه ز عشق ای ماه رو سپید ای خدا عشق دیوانه ام کرد عاشقم عاشقم
 از بیروت صدای ای فراق من آمد شیشه خانم میبرد پشت برده میگوید من عقب درستم
 فراق من - (خطاب به بیه گدا) نه ما شتم ما شتم چه عاشق هم شده ما را رگ بسته